



## نقد و تحلیل کتاب فرهنگ و تفکر هندوستانی و غزل اردو

دکتر فرزانه اعظم لطفی<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات اردو، دانشگاه تهران

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۱ دی ۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۳۹۶)

این پژوهش به معرفی و تحلیل و نقد کتاب فرهنگ و تفکر هندوستانی و غزل اردو اثر گوپی چند نارنگ محقق، پژوهش‌گر، نقاد، زبان‌شناس، داستان‌نویس و شاعر اهل هندوستان می‌پردازد. گوپی چند نارنگ با توجه به تبحر در شیوه نقد و نگارش در ادبیات و زبان هندی و اردو با مطالعه تطبیقی فرهنگ و تفکر و ذهن هندوستانی که بر غزلیات شاعران کلاسیک ادبیات اردو زبان تأثیر به‌سزائی داشته است را تبیین کرده است. او فرهنگ هندوستان را از زوایای مختلف قبل و بعد از اسلام از دوره ودیک تا ظهور اسلام در سرزمین هند مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است. نویسنده این اثر همچون دیگر کارنامه‌های علمی خود به تبیین و اثبات مطالعات تطبیقی در حوزه اساطیر و فرهنگ و تمدن هندو به به دنبال جستجوی ردپای این فرهنگ در زبان اردوست. یکی از مزایای اصلی این کتاب این است که نویسنده با رویکرد مطالعات تطبیقی در صدد وا شکافی و یافتن ادبیات صلح و اشتراک و همدمی در فرهنگ و تمدن باستانی هند با اسلام با نگاهی ادبی و علمی و بدیع است. این کتاب به جنبه‌های مختلف فرهنگ مشترک در ادبیات هندی و اردو با دقت و مثال‌های تاریخی به تفسیر اشعار شاعران دوره کلاسیک می‌پردازد. این مقاله به مهم‌ترین روش تحقیق و نقد این نویسنده و تجزیه و تحلیل و جوه مثبت و معایب کار می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** گوپی چند نارنگ، فرهنگ و تفکر هندوستانی، غزلیات اردو و ذهن هندوستانی، زبان غزل و فرهنگ هند، اساطیر و تلمیحات هندی.

<sup>۱</sup>E-mail: f.azamlotfi@gmail.com

## مقدمہ

بیوگرافی ادبی گوپی چند نارنگ

مت سہل یمین جانو پھرتا ہے فلک برسوں  
تب خاک گے پردے سے انسان نکلتے ہیں

ترجمہ: پیدایش انسان خاکی را بر جهان هستی آسان میندارید/ سالیان سال گذشته است تا از سراچہ عالم انسان خاکی متولد شده است. این شعر میر تقی میر کہ ملقب بہ خدای سخن است مصداق شخصیت گوپی چند نارنگ است. او را عاشق صادق همچون مجنون زبان اردوست، تاجدار ارزش‌های والای سکولاریزم و برابری و تساهل و تسامح. گوپی چند نارنگ بہ عنوان ناقد، ادیب و دانش‌ور و محقق، رازدان لفظ و ہنی، مبارز شجاع و حامی و دوست‌دار زبان و ادبیات اردو، سپہسالار لشکر زبان و ادب اردو، پدر صدیق و راستین شعر و شاعری ہندوستانی و پدر ادبیات اردوست.

گفتہ می‌شود گوپی چند نارنگ تنها یک فرد ادبی نیست بلکہ پژوهشکدہ بین‌المللی است. ہرجا سخن از زبان اردوست، بدون شک نام این محقق نیز بہ ہمراہ آورده می‌شود. او همچون الماس کویہ نور بر قلہ ادبیات اردو می‌درخشد. ا. افسانہ و ناول‌نگار و زبان‌شناس و ادیب بہ نام ہندی کامل ایشورا بر این باور است کہ برای زندہ نگہ داشتن فرہنگ و زبان و تمدن کهن ہند، ہندوستان نیازمند گوپی چند نارنگ‌ہاست.

گوپی چند نارنگ در ۱۱ فورہ سال ۱۹۳۱ براساس آیین ہندوئیزم کہ سال تولد و وفات تقریبی توسط کاهن معبد در معابد کہ بہ جنم پتری معروف است مشخص می‌شود. در یکی از بخش‌های شہرستان «لورا لائی» در ایالت بلوچستان قبل از استقلال پاکستان بہ دنیا آمد. پس از گذشت بیش از دو سال پدر و مادر وی بہ منطقہ موسی خیل عزیمت کردند. بیش از ۱۰۰ سال پیش موطن اصلی بزرگان این محقق بہ منطقہ پنجاب ہند بہ نام مظفر گرہ تعلق داشته است.

گوپی چند نارنگ از کودکی خود با زبان و قلم سلیس و سادہ خود این گونہ یاد می‌کند:

’کچھ یاد نہیں ڈکی کیسا گاؤں یا شہر تھا، البتہ موسیٰ خیل کے کچھ دھندلے سے نقش ذہن کی سلوٹوں میں ابھی باقی ہیں۔ تحصیل کے مکانوں کے پیچھے کا بڑا سا باغ جس میں انار، ناشپاتی اور شفتالو کے درخت اور انگور کی بیلیں تھیں۔ چاروں طرف چھوٹے بڑے پہاڑ، مختصر سا بازار جس میں ڈاک کی لاری رکا کرتی تھی۔ سب بچے اسی میں چڑھ جاتے اور ڈاک گھر سے بازار تک کی سیر کرتے۔ مغرب میں پنہریلی سڑک تھی جو فورٹ سنڈے من کو جاتی تھی۔ اسی کے راستے میں ندی پر وہ پل تھا جس کے نیچے گہرے نیلے پانی میں ہم کنکر پھینکتے تو مچھلیوں کے سنہرے پر چمکنے لگتے۔‘  
(«فن اور شخصیت» آپ بیتی نمبر: ص ۳۸۳)

ترجمہ: درست یادم نمی‌آید کہ «دکی» چہ روستا و یا چہ شہری بود. فقط از نقش مبہم و مہ‌آلودی از «موسیٰ خان» (محل زندگی وی) را ہنوز بہ خاطر دارم. درست پشت خانہ ما باغ بزرگی از درختان انار و گلابی و شفتالو و تاکستان انگور بود و کویہایہای بزرگ و نسبتاً کوچکی دور تا دور باغ را احاطہ کردہ بودند. بچہ‌ہا با بالا رفتن از درشکہ‌ای کہ در بازار معمولی محل قرار داشت مسیر پست‌خانہ تا بازار را این گونہ طی می‌کردند. در بخش غربی باغ خیابانی سنگ‌فرش شدہ‌ای بود کہ انتہایش بہ قلعہ سندھی می‌رسید. در مسیر راہ پلی بود کہ در ذیل آن رودی جاری، ما از بالای پل

سنگریزه به داخل رودخانه پرتاب می‌کردیم تا بتوانیم ماهی‌های طلائی زیر آب را رؤیت کنیم (فن و شخصیت، زندگی‌نامه، ص ۳۸۳)

سیستم طبقاتی خاندان گویی چند نارنگ به خاندان معروف کشیپ می‌رسد. و از نظر سیستم چهارگانه طبقاتی هندوئیسم به طبقه کشریه تعلق دارد. خاندان وی جزء زمین‌داران و مالکان شریف هند محسوب می‌شوند. پدر بزرگ وی «چمن لال نارنگ» نام داشت و نام پدر وی «دهرم چند نارنگ» از مسئولین وزارت خزانهداری بلوچستان بود. اولین استاد زبان اردوی این محقق عبدالعزیز نام داشت. طبق سیاست آموزشی حکومت وقت هند زبان اردو و پشتو جزء زبان‌های منطقه بلوچستان هند محسوب می‌شدند و از همان جا علاقه این ادیب هندوی هندوستانی به زبان اردو آغاز شد. اولین فعالیت علمی گویی چند نارنگ در عنفوان جوانی در مجله قدیمی *نن پرون* که امروزه به نام *آج کل* معروف است به چاپ رسید و بعدها در مجلات *پهول* «گل» و *غنچه* به عنوان شخصیت غیرمسلمان علاقه‌مند به زبان و ادبیات اردو مطرح شد. گویی چند نارنگ با رتبه اول در سال ۱۹۴۶ پس از اخذ دیپلم به کالج سندی در ایالت کوئته راه یافت. پس از گرفتن رتبه عالی در دانشگاه از پرداخت هزینه تحصیلی نیز معاف گردید. پس از جدائی پاکستان از هند با خانواده خود به دهلی نو مهاجرت کرد و این دانش‌ور و محقق نامی هند پس از تحصیلات عالی در زبان و ادبیات اردو در دانشگاه دهلی از سال ۱۸۵۷ تا سال ۲۰۰۲ به عنوان استاد ممتاز این دانشگاه مشغول به کار بوده است.

#### تألیفات و تصنیفات

مثنویات اردو برگرفته از داستانهای هندی / مطالعه زبان شناسی اردو - انگلیسی ۱۹۶۱ / جستارهای زبان‌شناسی آموزش زبان اردو ۱۹۶۲ / خواندن نثر اردو - انگلیسی / مثنویات کیفی / آثار محروم ۱۹۶۸ / آثار محروم ۱۹۶۹ / مطالعه زبانی کرپل کتها ۱۹۷۰ / ارمان مالک ۲ جلدی ۱۹۷۲ / املانامه ۱۹۷۴ / داستان‌های کهن ۱۹۷۶ / اقبال‌شناسی از دیدگاه ادیبان ۱۹۷۶ / کتاب شناسی توصیفی ۱۹۷۶ / تراژدی کرپلا / استعاره شعری ۱۹۸۰ / افسانه اردو - روایت و مسئله ۱۰۸۱ / انیس شناسی ۱۹۸۱ / سفر آشنا ۱۹۸۲ / هنر اقبال ۱۹۸۳ / شعاع جدید ۱۹۸۳ / روشنائی جدید ۱۹۸۳ / بخوان و پیشرفت کن ۱۹۸۳ / کتاب‌شناسی توضیحی ۲ جلدی ۱۹۸۴ / مسائل و مشکلات لغت‌نویسی / اسلوب‌شناسی و روش‌شناسی میر ۱۹۸۵ / کتب جدید اردو ۱۹۸۶ / بهترین افسانه‌های انتظار حسین ۱۹۸۶ / افسانه‌های جدید اردو - تجزیه و تحلیل و مسائل ۱۹۸۸ / راجند سنگه بیدی ۱۹۸۸ / نقد و اسلوب اردو ۱۹۹۱ / کتب جدید مایه تحصیلی یکم تا پنجم ۱۹۹۰ / کرشن چندر ۱۹۹۰ / اشعار هندوی امیرخسرو ۲۰۰ / املانامه ۱۹۹۰ / زبان و ادبیات - انگلیسی ۱۹۹۱ / قاری و اساس تنقید ۱۹۹۲ / شکل‌گیری اشعار شرقی ۱۹۹۳ / بهترین افسانه‌های بونت سنگ. شعرا و نویسندگان اردو ۱۹۹۶ / زندگی و کارنامه انتظار حسین ۱۹۹۸ / گفتگویی بر پسامدرنیته ۲۰۰۲ / درچه‌ای باز به سوی زبان و ادبیات اردو ۲۰۰۰ / اردو چگونه بنویسیم - هندی ۲۰۰۱ / فرهنگ و ذهن و تفکر هندوستانی بر غزل اردو ۲۰۰۲ / ادبیات اردو قرن بیستم ۲۰۰۲ / روش‌های جدید در نقد اردو ۲۰۰۳ / اشعار اردو و نهضت آزادی ند ۲۰۰۴ / رئالیسم - مدرنیته و پسامدرنیته ۲۰۰۴ / پس از دوره مدرنیسم ۲۰۰۵ / تصوف ولی دکنی و شاعر عشق و انسانیت / نهضت مدرنیته و کارنامه ادبی آن ۲۰۰۷ / ناول - شکل‌گیری و تنقید آن ۲۰۰۸ / فراق گورکھپوری: شاعر و نقاد و

پژوهش‌گر/ نامه‌های خواجه احمد فاروقی به گوپی چند نارنگ ۲۰۱۰/ کاغذ آتش‌زده ۲۰۱۰/ تپش‌نامه  
تمنا ۲۰۱۲ / صور خیال غالب ۲۰۱۴/

#### بحث و بررسی

نقاد و پژوهش‌گر و محقق شاعر ممتاز هند گوپی چند نارنگ در سال ۱۹۵۲ تحصیلات تکمیلی در رشته زبان و ادبیات اردو را آغاز کرد. گوپی چند نارنگ در اوائل استقلال هندوستان چندان از استقبال خاصی برخوردار نبود. اما در کنار ایشان چهره‌های شاخص ادبی زمان وی در این حوزه همچون مولانا ابوالکلام آزاد، دکتر ذاکر حسین که بعدها به ریاست جمهوری هندوستان نائل گشت و در کنار آن توجه عالمانه نخست‌وزیر هند پندت جواهر لال نهرو و دکتر تارا چند دکتر سید عابد حسین، پروفیسور محمد مجیب، خواجه غلام السیدین، کرنل بشیر زیدی، دکتر خواجه احمد فاروقی رشید احمد صدیقی آل احمد سرور، سید احتشام حسین، مولانا انتیاز علی عرشی، مالک رام، مسعود حسن رضوی، احمد سرور، سید احتشام حسین، مسعود حسن رضوی ادیب، نجیب اشرف ندوی، سید محی‌الدین قادری این افراد هم دوره نویسنده کتاب حاضر راه را برای مطالعات تطبیقی و یا به تعبیری ادبیات صلح و جستجو و رد پای و حقیقت تاریخ و فرهنگ و تمدن هند را در زبان و ادبیات اردو هموارتر ساخت. مطالعات و پژوهش‌های گوپی چند نارنگ از سال‌های ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۲ به گفته خود ایشان شوریدگی ادبی خاصی بوده است که ایشان را به حوزه زبان‌شناسی، اساطیر، داستان‌نویسی، و نقد و سرودن غزل و مثنوی و پژوهش و تحقیق مفاخر ادبیات و شعرای به نام اردو همچون میر تقی میر، غالب دهلوی، انیس و دبیر، فیض احمد فیض، و فراق و در ادبیات داستانی مفاخری چون پریم چند مترو راجندر سنگه بیدی را به وادی ادبیات غنی اردو نزدیک‌تر ساخت.

#### نقد و تحلیل محاسن کتاب

کتاب فرهنگ و تفکر و ذهن هندوستانی و غزل اردو مشتمل بر ۵ فصل مجزاست. اولین فصل به سیر تکامل فرهنگ و تمدن و ادیان در هند از دوره ویدک، بودیسم، شیوئیسم، و شنوئیسم اختصاص دارد. علاوه بر این محقق در این بخش به معرفی کتب مقدس در حوزه فلسفه ویدانت و یا معرفت و آگاهی و عرفان هندی و به منشأ تجلیات معنوی هند اوپانیشادها و پورانیک‌ها به تفصیل می‌پردازد. در کنار این مباحث بخشی از تحقیق خود را به فرهنگ اسلامی و دلایل نفوذ اسلام در هند از توحید تا طریقت و شریعت و مساوات و بندگی از دیدگاه اسلام می‌پردازد. پس از آن به تفسیر تصوف اسلامی و چگونگی تشکیل آن در هند و سلاسل آن و مطالعه تطبیقی آن با تصوف هندی می‌پردازد. پس از واشکافی هوشمندانه از سیر نفوذ اسلام و تصوف در هند به فرهنگ مشترک هندوستان که در سایه این فضا رشد و نمو داشته است به دقت می‌پردازد. نویسنده این کتاب به تشریح بزرگ‌ترین نهضت ادبی و مذهبی هند که به بهگتی تحریک یا نهضت بندگی و عبادت خالق واحد است دست می‌یابد و سپس به دست‌مایه‌های ادبی مفاخر این نهضت از گرونانک رهبر و پیشوای دین سکیزم گرفته تا امیر خسرو اولین شاعر زبان فارسی که به سعدی شمال هند نیز معروف می‌باشد می‌رسد. وی در صفحه ۱۰۱ کتاب این‌گونه می‌گوید:

ادبی سطح پر ہندووں اور مسلمانوں میں جو گہرا ارتباط پیدا ہوا اس کی ایک جھلک یہ ہے کہ ہندو او مسلمان اپنی تصنیف و تالیف کا آغاز حمد و ثنا سے کرتے تھے لیکن عجیب بات تو یہ ہے کہ حمد و ثنا مصنف کے مذہب کے بجائے زبان کے مذاق کے مطابق کی جاتی تھی - مثلاً ہندو اگر فارسی زبان میں کوئی کتاب لکھتا تو بسم اللہ الرحمن الرحیم سے شروع کرتا - اسکی مثالیں ہندووں کی کتابوں میں بہ کثرت ملین گی۔ اس طرح مسلمان ہندی میں کوئی کتاب لکھتا تو اس کا آغاز گنیش سے سرسوتی یا ہندووں کے کسی دیوتا نام لے کر کرتا - جہانگیر کے عہد کے ہندی مصنف احمد نے "مدنا سنکا" شری گنیش نامہ لکھ کر شروع کیا :

ترجمہ:

ہندوان و مسلمانان تصنیف و تالیف خود را با حمد و ثنا آغاز می‌کردند و اما جای تعجب این‌جاست کہ مصنف در حمد و ثنا زبان مقصد به جای دین و مذهب مصنف در برگرفته می‌شده است. به عنوان مثال ہندوان اگر به زبان فارسی کتاب تالیف می‌کردند ابتدای کتاب خود را با نام بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و اگر مسلمانان به زبان ہندی کتاب می‌نگاشتند آغاز کتاب خود را با نام الہہ آغاز «گنیش» و یا الہہ علم و دانش کہ سرسوتی نام داشت مزین می‌کردند. در دورہ حکومت جہانگیرشاہ مصنف ہندی به نام احمد در کتاب خود کہ ماننا سنکا نام داشت حمد و ثنای تالیف خود را به گنیش نامہ اختصاص داده است ... (نارنگ، گوپی چند، ۲۰۰۲، ص ۱۰۱).

مؤلف کتاب با این توضیحات بر این باور است کہ این اصول فلسفہ و سرچشمہ حیات فرهنگی و ادبی زبان و ادبیات اردوست. بخش اول کتاب به مطالعہ تطبیقی در حوزہ ادیان قبل و بعد از اسلام در ہند اختصاص دارد و به تفسیر و تشریح فرهنگ مشترک ہندوستان و رابطہ مستقیم آن با زبان و ادبیات اردو با تشریح نہضت بھگتی ویا همان تفکر خالق مطلق و بندگی خدایی واحد و نام‌آوران این نہضت همچون شنکر اچاریہ و رامانج، رامانند، کبیر داس، گورونانک می‌پردازد. رامانند از پیشوایان نہضت بندگی و چہارمین پیشوا از سلسلہ رہبران روحانی نہضت بندگی و مفسر لائٹنوت در ادیان و اساطیر ہندوئیزم است. کبیر نیز از جملہ شاعران کلاسیک زبان و ادبیات ہندی و از مبدعان و مفسران و مشرحان ذات الہی و معرفت و توحید زمان خود بودہ است

علاوہ براین تلاقی فرهنگ دو دین بزرگ در ہند شاعران به ایرانی و پارسی‌گویان ہند نیز از قافلہ عقب نماندند بہ طوری کہ ابوطالب کلیم می‌گوید:

ز شوق ہند زان سان چشم حیرت بر قفا دارم

کہ رو ہم گر براہ آرم نمی‌بینم مقابل را

و شاعر پارسی‌سرای در زمان اورنگ زیب عبدالقادر بیدل دہلوی در نظم «نرگستان» خود در بارہ

«رام» این‌گونه می‌سراید:

بہ عشق رام چن بلبل سرایم

سرای غنچہ دلہا گشایم

نہ دارم آرزوی غیر در سر

فکنده بارہا از سر سراسر (ہمان، ص ۱۰۳).

بخش دوم کتاب به جنبه‌های زیباشناختی غزل اردو با تکیه بر تصور عشق آغاز می‌شود. در این فصل مؤلف با توانمندی و با تکیه بر اصل مطالعات تسیق به توصیف شاعرانی در ادبیات اردو می‌پردازد که عشق صوفیانه را در غالب رنگ مجازی و سیر آن به سوی معنویت به کار بسته‌اند. شاعران کلاسیکی که به تلفیق این دو عنصر عشق حقیقی و مجازی پرداخته‌اند عبارت‌اند از انشا-ناسخ-امانت حاتم - سودا- بحر - سحر- قلق- رشک - رند - صبا - وزیر - منیر - عشق - آتش - مومن.

بخش سوم کتاب به تصور حسن و جمال در اشعار اردو می‌پردازد.

این بخش به فضا و فرهنگ هنرستانی و نقش و تأثیر آن در سرودن اشعار شاعران کلاسیک همچون محمدقلی قطب‌شاه معروف به «حافظ دکن» وجهی - غواصی - نصرتی - ولی - دکنی - فائز دهلوی - آبرو - حاتم، یکرنگ، تیک چند بهار - سودا - تابان - نثار - یقین - خواجه میر درد - سوز - قایم - بیدار - میر اثر - مصحفی جرات - انشا شعرای لکهنو :- ناسخ آتش - برق - بحر - جلال - رند - شهیدی - سحر - رشک - شعور - افسوس - فقیر - محمد گویا - محسن - عشقی - قائل - و پس از آن به ذکر شعرای معاصر همچون حالی و حسرت موهانی - فراق گورکھپوری - به تفضیل می‌پردازد.

از ویژگی‌های منحصر به فرد این محقق در روش تألیف به کار گیری ۴۸ تذکره از دیوان و کلیات شاعران کلاسیک ۶۰ کتاب از دیوان‌های شاعران و ۲۳ کتاب از کلیات مختلف را برای اثبات تأثیر ذهن و فرهنگ هندوستانی بر غزلیات و دیگر هیئت‌های شعری شاعران کلاسیک زبان و ادبیات اردوست. بخش چهارم به جنبه‌های نظری غزل اردو با توجه به نکاتی چون تصور ذات و تعبیر ذات تعلق دارد.

در این فصل همچون شیوه نگارش دیگر یابها با رویکرد تطبیقی به نظریات عقلی و فرهنگی مشترک در میان مسلمانان و هندوان در طول تاریخ بر اساس مستندات اوپانیشادها و قران و توضیح و تفسیر فلسفه وحدت‌الوجود و وحدت‌الشهود می‌پردازد. در این بخش با ذکر شاعران به‌نامی که اشعار خود را بنا بر وحدت‌الوجود طراحی کرده بودند نظیر: محمد قلی قطب شاه / ولی دکنی / بحری، شاه عالم، آفتاب، حاتم، سودا، میر، قائم، درد، اثر، بیداریا، ناسخ، ممنون، ثنا الله، فراق، شاه نیاز بریلوی، مصحفی، آتش، ذوق ربا، ظفر، غالب دهلوی، شیفته، منیر شکوه آبادی، عبدالعلیم آسی/.

پس از آن با طرح تفکر تساهل و رواداری و تفکر مسالمت‌آمیز و تقریب مذاهب به نفوذ این تفکرات در اشعار اردو می‌پردازد: در این بخش از شاعران کلاسیک زبان اردو همچون محمدقلی قطب‌شاه، ولی دکنی، سراج، تیک چند بیهار، رو، حاتم، سودا، میرتقی نیر، قائم، درد، سوز، بیدار، تان، قدرت، ولی‌الله محب، نیاز بریلوی، مصحفی، آتش، شاه نصیر، ذوق دهلوی، ظفرشاه، غال دهلوی، میر تقی مایل، کشن کمهار وفا، شیو پرشاد وحبی، سنگ جهانگیر، پیار لال آشوب، مادهو رام جوهر، دیا شنکر نسیم شهیدی، امیر، داغ، شادان، جلیل، ثاقب با مثال‌های شعری یاد می‌کند.

در همین بخش به مواردی چون: تسیم خودی و اثبات خودی در ادب و فضای غزل و هم آهنگی غزلیات اردو با عشق و عرفان به تفسیر می‌پردازد.

#### توصیه‌ها

برخی از شاعرانی که گویی چند نارنگ در فصل‌های کتاب به خصوص فصل چهارم و پنجم بدان اشاره کرده است زبانی متفاوت از زبان اردوست. به عنوان مثال زبان ولی دکنی و قلی قطب‌شاه که در زمره شاعران کلاسیک جنوب هند محسوب می‌شود زبان دکنی است و دارای واژگان ثقیل و مشکل. بهتر می‌نمود مترادف واژگان سخت به زبان اردو نیز آورده می‌شد. بدین ترتیب اردوشناسانی که به زبان دکنی تسلط ندارند با مشکل در تفهیم غزلیات و دیگر هیئت‌های شعری مواجه نمی‌شوند. تاریخ ولادت و وفات هر شاعری که در مثال‌ها آورده شده در کنار آن نگارش شود. ارجاع به اشعار دیوان شاعران در پایان کتاب آورده شده است. اگر در انتهای هر بیت صفحات مشخص شود در روند تحقیق و بررسی کتب تسهیل خواهد شد. از آنجایی که بخش عظیمی از مثال‌های شعری به شاعران دوره کلاسیک زبان و ادبیات اردو اختصاص دارد برخی از واژگان اردو بسیار قدیمی است. لذا بهتر است واژگان‌نامه‌ای در انتهای کتب تهیه شود.

گویی چند نارنگ با تألیفات و تحقیقات جامه خود دائره‌المعارف بزرگی به پژوهش‌گران ملی و بین‌المللی زبان و ادبیات اردو می‌بخشد. به نظر نویسنده این نقد او استاد مسلم مطالعات تطبیقی در زبان و ادبیات اردو - هندی است - محققینی که به این دو زبان تسلط کامل دارند با تکیه بر مطالعات این پژوهش‌گر صادق در یک به فرهنگ و تمدن فلسفه دین و مذهب و ادبیات نظم و نثر با تمامی شاخه‌های آن در مجموع آشنا می‌شود. گویی تألیفات وی مجموعه‌ای از مطالعات هندوستان است.

بخش پنجم کتاب به جنبه‌های فنی غزل اردو اختصاص دارد. در این بخش به تلمحات غنی هندوستان اشاره شده است. به طور کلی تمام بخش‌های کتاب به مطالعات تطبیقی فرهنگ و تمدن هندوستان و تأثیر آن بر زبان و ادبیات اردو با تکیه بر تلمیحاتی که با توجه به فرهنگ و تمدن کهن هند بسیار قابل توجه می‌باشد تلمحات هندی از فلسفه و ادیان و روایت‌های کهن و تشکیل می‌شود این بخش که آخرین فصل کتاب نیز می‌باشد به جنبه‌های فنی غزل اردو می‌پردازد. گویی چند نارنگ به ذکر تشبیهات و استعاراتی در زبان و ادبیات اردو می‌پردازد که مأخوذ از فستیوال‌ها و اعیاد مذهبی هندوان است. اصطلاحات موسیقی اصیل و کلاسیک هند و نفوذ آن در زبان اردو بخشی دیگر از تحقیقات وی در این فصل می‌باشد. علاوه بر این دریا و رودهای مقدس هند، حیوانات و چرنده و پرنده، فصول سال و شهرها و اشیای مشهور و خاص هند را به تفصیل در زبان و ادبیات اردو جستجو می‌کند.

بیش از ۴۱ تلمیح اصیل هندی با تفسیر تاریخی و مذهبی آن و دلایل نفوذ آن در زبان و ادبیات اردو را به این بخش اختصاص می‌دهد.

#### References

#### منابع

گویی چند نارنگ (۲۰۱۴). فرهنگ و تفکر هندوستانی و غزل اردو، اسلام آباد - پاکستان، مقتدره قومی زبان.



## Critique and Analysis of the *Urdu Ghazal Aur Hindstani Zahren-o Tahzeeb*

Farzaneh Azamlotfi<sup>1</sup>

Assitant Professor of Urdu Literature and Languages, University of Tehran,  
Tehran, Iran.

(Received: 01 January 2018; Accepted: 15 February 2018)

This research introduces and analyzes and criticizes the *Urdu Ghazal Aur Hindstani Zahren-o Tahzeeb* by Gopi Chand Narang, scholar, researcher, linguist critic, and writer and poet of the Hindus of India. Gopi Chand Narang has been characterized by the mastery of critique and writing in Hindi and Urdu literature and language, with a comparative study of the Hindu culture and thoughts that have influenced the poetry of the classical poets of Urdu literature. He has adapted the culture of India from different angles before and after Islam from the Vedic period to the advent of Islam in India. The author of this work, like his other scientific works, explains adaptive studies in the field of mythology and Hindu culture and civilization looking for a trace of this culture in the Urdu language. One of the main advantages of this book is that the author, with the approach of comparative studies, seeks to find literature on peace and sympathy with Indian culture and civilization with Islam with a literary and scholarly look. This book deals with different aspects of common culture in the literature. Hindi and Urdu carefully interprets the poetry of classical poets with precision and historical examples. This paper deals with the most important method of research and critique of this author and analyzes positive aspects and disadvantages of work.

**Keywords:** Gopi Chand Narang, Indo-Iranian Culture and Thinking, Urdu and Hindu Poetry, Hindi Language and Culture, Indian Myths and Teas.

---

<sup>1</sup> E-mail: f.azamlotfi@gmail.com